

همیشه‌گی غزه

اسرائیل و حماس یک سال پس از هفتم اکتبر

❖ **لجازی نتانیاهو منجر به جنگ ناتمام در غزه می‌شود**

احمد فواد الخطیب



کارشناس ارشد شورای آتلانتیک در برنامه امنیت‌خاورمیانه‌اسکوکرافت

چنانچه جهان به ۱۲ ماه گذشته از آغاز حملات هفتم اکتبر نگاه می‌کند که ویرانگرترین جنگ در تاریخ غزه را رقم زد، شکست در رسیدن به توافق آتش‌بس، واقعبت تلخی را رقم زده است. توافق پیشنهادی که از سوی آمریکا با میانجی‌گری مصر و قطر ارائه شد به دلیل اختلاف بر سر کنترل کریدور فیلادلفیا، نوار باریکی در امتداد مرز غزه با مصر، مذاکرات آتش‌بس را متوقف کرده است.

بنیامین نتانیاهو بر مدیریت مستقیم کریدور اصرار دارد. او معتقد است قاچاق احتمالی اقلام ممنوعه و مهمات به غزه را در آینده فقط از طریق اشغال مستقیم اسرائیل می‌توان جلوگیری کرد؛ موضوعی که حماس شدیداً مخالفت کرده است. جالب است که مقامات ارشد امنیتی اسرائیل از جمله یوآ گالانت، وزیر دفاع، خواسته‌های نتانیاهو را زیر سوال برده‌اند و آنها را رسوایی و تلاش برای گسترش غیر ضروری جنگ خطاب کرده‌اند.

عدم پیشرفت در دستیابی به توافق آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها باعث متوقف شدن بیماران‌های اسرائیلی در سراسر غزه نشده، روزانه تقریباً جان صدها نفر را می‌گیرد و رنج جمعیت مستأصل و آسیب‌دیده غیرنظامیان را طولانی‌تر می‌کند. بیماری، گرسنگی، عدم امنیت، دستور مداوم تخلیه، بلاکلیفی و خستگی، فلسطینی‌ها را در غزه آشفته کرده است. فلسطینی‌هایی که بین ماشین جنگ بی‌رحم اسرائیل و سازمان شبه‌نظامی بی‌امان گیر افتاده‌اند.

حماس به رغم تضعیف گسترده و از دست دادن بیشتر قابلیت‌های حاکمیت اداری خود، همچنان در بخش‌های مختلفی از غزه حکومت می‌کند و بر برخی از بخش‌های این منطقه تسلط دارد، بر برخی از عملیات امنیتی را تحت کنترل دارد و حملات کوچکی را علیه یگان‌های زمینی اسرائیل انجام می‌دهد.

در برابر این پس‌زمینه، اسرائیل تمرکز و منابع خود را از جبهه جنوبی به مرز شمالی با لبنان برده است. در هفته گذشته، با ترو سیدحسن نصرالله، رهبر حزب‌الله و بمباران جنوب‌ویبروت، پایتخت لبنان، درگیری به‌طور جدی تشدید پیدا کرده است. این امر مستلزم خروج یگان‌های زمینی و نظامیان از غزه و هم‌زمان حفظ نیروی

کافی برای جبهه فعال جنگی و کاهش سرعت عملیات و اقدامات نظامی کلی است.

ارتش اسرائیل به حملات خود علیه اهداف حماس در بخش‌های مختلف غزه ادامه می‌دهد، تونل‌های قاچاق و حمله‌ها را از بین می‌برد و به دنبال اطلاعاتی است که بتواند مکان گروگان‌های باقی‌مانده و اسیرکنندگان آنها و همچنین یحیی سننوار رئیس حماس را از بین ببرد. با این حال، کاملاً واضح است که تمرکز اسرائیل هم‌اکنون روی تهدیدهای فزاینده از سوی حزب‌الله و دیگر نیروهای نیابتی ایران است که می‌توانند حملاتی را علیه اهداف اسرائیل انجام دهند. رگبار موشک‌های بالستیک که اخیراً از سوی ایران به اسرائیل پرتاب شدند، می‌تواند نخستین شلیک جنگی باشد که اسرائیل را بیشتر از غزه دور کند، رنج و بیچارگی فلسطینی‌ها را طولانی‌تر کند.

چنانچه پایانی برای جنگ اسرائیل و حماس در روزهای باقیمانده از ریاست‌جمهوری جو بایدن دیده نمی‌شود، به‌نظر اوضاع به‌سمت مسیر جنگ طولانی با شدت کم پیش می‌رود. در چنین سناریویی، جای جنگ‌پریشانی که مشخصه ماه‌های اول جنگ بود، ریتم ثابت حملات، بورش‌ها، جنگ چریکی، ترور و در کل چرخه‌ای تکراری و بی‌ثمر به‌رخدادهای رومزه تبدیل می‌شوند.

فرسایشی شدن جنگ به هدف اسرائیل کمک می‌کند و در عین حال به حماس اجازه می‌دهد دوباره فعال شود. کارشناسان نظامی توافق کرده‌اند برای اسرائیل سخت است که به یک پیروزی قاطع برسد، بنابراین بدون فشارهای جامعه جهانی برای پایان دادن به خصومت‌ها، مردم غزه برای آینده نه‌چندان دور چیزی از صلح یا امنیت نخواهند فهمید.

یکی از طرف‌هایی که نگرانی‌های جدی دارد، اردن است. از زمانی که این کشور معاهده صلح را در سال ۱۹۹۴ با اسرائیل امضا کرد، مقامات اردن از دو استدلال برای اعمال این معاهده به افکار عمومی بدبین و اکنون کاملاً دشمنی با اسرائیل استفاده کرده است.

اولین استدلال این است که با امضای معاهده صلح، اردن از مرزهای خود محافظت کرده و از هر گونه تلاش اسرائیل برای انتقال فلسطینیان از کرانه‌باختری به داخل کشور جلوگیری کرده و در نتیجه به استدلال دیرینه راست‌های افراطی اسرائیل مبتنی بر «اردن فلسطین است» پایان داده است. دوم اینکه دولت نتانیاهو در نهایت

برکنار می‌شود. اردن می‌تواند همکاری خود را با دولتی معقول‌تر و آماده مذاکره برای راه‌حل دوکشوری، نتیجه‌ای که نه‌تنها برای حفظ فلسطینی‌ها بلکه منافع اردن ضروری است، آغاز کند. هر دو استدلال از هفتم اکتبر به‌شدت تضعیف شده‌اند. سال ۲۰۲۴، ۱۹۹۴ نیست. جمعیت فلسطینی‌ها در مناطق تحت کنترل اسرائیل بیشتر شده است. راست افراطی هم‌اکنون هسته مرکزی دولت اسرائیل است. اگر اسرائیل به اشغال فلسطین یا اساساً سیستم آپارتاید خود پایان ندهد، اردن نگران است که برنامه اسرائیل برای انتقال دسته‌جمعی فلسطینی‌ها همچنان هدف دولت نتانیاهو باقی‌بماند. کشتار بیش از ۴۰ هزار فلسطینی در غزه و نابودی مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، شبکه‌های آب و برق و عبادتگاه‌ها غزه را غیرقابل سکونت کرده است. شهرک‌نشینانی که در کرانه باختری سکونت کرده‌اند که از سوی ارتش اسرائیل حمایت می‌شوند، به کشتار فلسطینی‌ها و تلاش برای پاکسازی قومی جوامع فلسطینی مشغول شده‌اند، در نتیجه بحث اردن در مورد جلوگیری از اخراج دسته‌جمعی فلسطینی‌ها به اردن دیگر جوابگو نخواهد بود. به‌همین ترتیب امیدها برای راه‌حل دوکشوری در حال کاهش است. پارلمان اسرائیل در ماه جولای قانونی را علیه ایجاد چنین راه‌حلی با رای موافق تمام احزاب اصلی اسرائیل، تصویب کرد. شکاف در جامعه اسرائیل دیگر بین اردوگاه صلح و تندروها نیست. این شکاف فقط بین جناح‌های حامی نتانیاهو و مخالفان اوست. زمانی که جنگ تمام‌شود، اردن با دو انتخاب سخت روبه‌رو خواهد بود. از سرگیری امنیتی و اقتصادی با اسرائیل، دولت را در برابر جمعیتی بسیار خشمگین قرار می‌دهد که با پیروزی بزرگ احزاب اسلام‌گرا در انتخابات دهم سپتامبر خود را نشان داد. حفظ لفاظی‌های تند و ضداسرائیلی کنونی مورد پسند آمریکا هم نخواهد بود. مسیر اردن پس از جنگ بسیار دشوار خواهد بود.

غزه با احتمال تبدیل شدن به کرانه باختری

روبه‌روست: اشغال همیشه‌گی. برای اسرائیلی‌ها، از زمان شروع جنگ ایده

حفظ حضور نظامی در غزه به‌طور فزاینده‌ای

به‌واقعبت تبدیل شده. ایده دیگری که

حامیان بیشتری پیدا کرده‌شهرک‌نشینی

در غزه است؛ از بین بردن جوامع غیرنظامی در غزه

مشابه کرانه باختری. درحالی که این ایده

در میان شهرک‌نشینان اسرائیلی در اقلیت

است، اما حامیان آن افراطی در دولت

بنیامین نتانیاهو قدرت قابل توجهی را به‌دست آورده‌اند

❖ **اوضاع بدتر از این‌ها هم می‌شود**

هاگار شراف



خبرنگار ه‌آرتص در کرانه باختری

یک سال از جنگ می‌گذرد، عهده کمی از اسرائیلی‌ها یا فلسطینی‌ها بر این باورند که به‌زودی تمام می‌شود. کمپین‌های نظامی پیشین اسرائیل در غزه در بیشترین حالت، چند هفته طول کشیدند اما این جنگ به‌نظر جنگی بی‌پایان است. عدم تمایل دولت اسرائیل برای مذاکره درباره «روز بعد» (از جنگ)، شعارهای توحالی درباره «پیروزی کامل» و تشدید جنگ در لبنان شرایط غیرعادی برای اسرائیلی‌ها را عادی کرده است: بلاکلیفی، سوگ و ماتم و آوارگی. آثار آن قطعاً در غزه بدتر از دیگر مناطق جنگی است که ده‌ها هزار نفر کشته و تقریباً تمام جمعیت داخل آن بی‌جاشده‌اند.

در کرانه باختری، جایی که من گزارش تهیه می‌کنم، فلسطینیان تخریب در غزه را می‌بینند و نگرانند که آیا آینده آنها هم همین خواهد بود یا نه. از هفتم اکتبر، اسرائیل به‌طور مرتب از جنگنده‌هایش برای حمله در کرانه باختری استفاده کرده است؛ موضوعی که به‌ندرت در دو دهه پیش دیده می‌شد. ساکنان اردوگاه پناهجویان نور شمس بولدوزرهای ارتش اسرائیل را دیده‌اند که خیابان‌هایشان را به‌ظن تله‌های انفجاری، نابود می‌کنند و این تصاویر را با ویرانی‌های غزه مقایسه می‌کنند.

در روستای فریوت در نزدیکی نابلس، پدري که دختر ۱۳ ساله‌اش در خانه‌شان به ضرب گلوله ارتش اسرائیل کشته شده، به من می‌گوید خدا را شکر می‌کند توانسته دخترش را یک تکه دفن کند، بر خلاف آنهايي که در غزه بر اثر حملات اسرائیل عزیزان‌شان را اغلب تکه‌تکه به خاک سپردند.

اما حتی همانطور که کرانه باختری در حال غزه شدن است، غزه با احتمال تبدیل شدن به کرانه باختری روبه‌روست: اشغال همیشه‌گی. برای اسرائیلی‌ها، از زمان شروع جنگ ایده حفظ حضور نظامی در غزه به‌طور فزاینده‌ای به‌واقعبت تبدیل شده. ایده دیگری که حامیان بیشتری پیدا کرده شهرک‌نشینانی در غزه است؛ از بین بردن جوامع غیرنظامی در غزه مشابه کرانه باختری. درحالی که این ایده در میان شهرک‌نشینان اسرائیلی در اقلیت است، اما حامیان آن از جمله راست‌گرایان افراطی در دولت بنیامین نتانیاهو قدرت قابل توجهی را به‌دست آورده‌اند.

بسیاری از تحلیل‌گران اشاره می‌کنند که منافع شخصی نتانیاهو در گسترش جنگ به‌منظور حفظ ائتلافش در دولت و به‌تعویق انداختن دادگاه فسادش است. اما بتزال اسموتریج شریک ائتلاف نتانیاهو که به شکل‌گیری سیاست‌های اسرائیل در کرانه‌باختری کمک می‌کند، دلایل خود را برای ادامه درگیری دارد و مرزهای آنچه را که ممکن است نیازهای امنیتی در نظر گرفته شود، گسترش دهد. در حالی که آمریکا و بقیه جامعه بین‌المللی بر غزه متمرکز شده‌اند، اسموتریج عملکرد آزاد برای پیشبرد الحاق قانونی کرانه باختری از طریق مانورهای بوروکراسی ناموفق داشته است. جنگ همچنین به اسموتریج و ایتمار بن‌گویبر، وزیر دفاع ملی اسرائیل و دیگر عضو راست افراطی دولت نتانیاهو این امکان را داده تا بیشتر کارگران فلسطینی را از بازار کار اسرائیل بیرون کنند و کرانه باختری را به آستانه فروپاشی اقتصادی و تضعیف بیشتر جنبش آزادی‌بخش فلسطین سوق دهند. در این میان، ارتش اسرائیل هزاران نفر از شهرک‌نشینان را مسلح کرده، شبه‌نظامیان بالفعلی را به‌وجود آورده که قصد محدود کردن جنبش فلسطینیان در کرانه‌باختری و تسریع احداث پایگاه‌های غیرقانونی را دارند. تمام جنگ‌ها بالاخره تمام می‌شوند. اما در منظومه سیاسی فعلی، قدرتمندترین بازیگران اسرائیل تمایل دارند این یکی را به‌طور نامحدود کش دهند. برای فلسطینیان کرانه باختری، بدترین اتفاق ممکن است هنوز در راه باشد.

سیاستمداران



اسرائیل دستش به سنوار نمی‌رسد

طاهر التنونو، مشاور رسانه‌های رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در گفت‌وگو با شبکه خبری «روسیا الیوم» خبرهای منتشرشده درباره این ادعا را که «اسرائیل یحیی سننوار را هدف قرار نداد چون اطرافش اُسرای اسرائیلی حضور داشتند» تکذیب کرد و گفت: «این توجیهی برای شکست رژیم اشغالگر است و اگر امکان دسترسی به او را داشت، این کار را کرده بود اما شکر خدا نتوانستند این کار را انجام دهند.» این مسئول حماس در ادامه تأکید کرد که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به یحیی السنوار، رئیس این جنبش دسترسی پیدا کرده و یا از رفت‌وآمدهای او مطلع شود. او همچنین اظهار کرد: «اسرائیل اگر جای هرکدام از اُسرایش را می‌دانست، آنها را به قتل رسانده بود، همانگونه که تعداد زیادی از اُسرا را در نوار غزه به قتل رساند، این همان چیزی است که به قانون هانبیل معروف است که می‌گوید در صورت نیاز اسیر را با نگهبانش می‌توان کُشت. این قانون توسط اسرائیل اجرامی شود.» روزنامه «دیلی میل» انگلیس دوشنبه مدعی شد که السنوار یک کیف دنباتت همراه خود دارد و همواره ۲۰ اسیر اسرائیلی احاطه شده است.

ادامه از صفحه اول

مقام‌های جمهوری اسلامی در سطوح مختلف اعلام کرده‌اند که هرگونه پاسخ اسرائیل به حمله موشکی دهم مهر را با شدتی بیشتر پاسخ خواهند داد. این تهدید، به معنای احتمال گسترش جنگ، صرف‌نظر از دامنه احتمالی اسرائیل به خاک ایران است و می‌تواند برای مدتی طولانی هر نوع ابتکار دیپلماتیک را بی‌اثر سازد. بدین ترتیب، آیا آنچه رسانه‌های اسرائیلی درباره مذاکرات آمریکا و کشورهای عرب با ایران به‌منظور آتش‌بس در تمام جبهه‌ها، گزارش کرده‌اند، به فرض صحت آن، قصد کنترل بحران پس از حمله احتمالی اسرائیل به ایران را دارد؟ اگر پاسخ این پرسش مثبت باشد، حمله اسرائیل به ایران فاعده‌تأیید در ابعادی صورت گیرد که پاسخ‌سنجینی را طلب نکند. این بحث‌ها در این موقعیت ادامه‌هاش گمانه‌زنی است. تا زمان انجام با لغو حمله اسرائیل به ایران نمی‌توان به تحقق سناریوی مشخصی مطمئن بود. به این همه، به جز برخی جنگ‌های بدخیم داخلی در برخی نقاط جهان، جنگ بین کشورها در شرایط امروز دنیا خواننده‌خواه به نقطه پایان خود می‌رسد و در نهایت امر، چاره‌ای جز توسل به دیپلمات‌ها برای تدوین و پذیرش طرح‌های آتش‌بس و یا توافق نامه‌های صلح باقی نمی‌ماند. این در حالی است که جنگ‌های دامنه‌دار یا کم‌شدتی که از ۷ اکتبر سال گذشته در خاورمیانه به پا شده است، هر کدام منطبق درونی خود را دارند، اما روشن است که همه آنها نمود و جلوه‌ای از خصام اسرائیل و ایران به‌شمار می‌روند و به‌صورت تجربی به هم پیوسته درآمده‌اند. برای آتش‌بس در نوار غزه، ماه‌ها مذاکرات نفسگیر دیپلمات‌های آمریکا و عرب به هیچ نتیجه ملموسی نرسید. و هر دو طرف نبرد، طرف مقابل خود را به بی‌علاقگی به آتش‌بس متهم می‌کنند. در حقیقت بین‌بست در روند مذاکرات مربوط به خاموش کردن سلاح‌ها در نوار غزه، آتش جنگ شدید در لبنان را روشن کرد و این جنگ نیز به نوبه خود اسرائیل و ایران را به رویارویی مستقیم کشاند. تصور اینکه کنترل آتش جنگ در منطقه باید از نوار غزه آغاز شود، دیگر خیلی واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. در آن جغرافیای خاص، اصرار دولت نتانیاهو به ریشه‌کن کردن حماس و اصرار حماس بر تداوم اداره باریکه، موفقیت دیپلماسی را بسیار دشوار کرده است. با وجود این، به دلیل یک‌سال جنگ پرشدت، از حجم آتش باری دو طرف تا اندازه زیادی کاسته شده و جریان جنگ فرسایشی‌در نتیجه برای ناظران خارجی کم‌اهمیت‌تر از پیش شده است. در واقع در جبهه لبنان است که انواع جنگنده‌ها و موشک‌ها همچنان می‌غزند و ویرانی‌های هنگفت و تلفات انسانی و بی‌خانمانی گسترده‌ای بر جا می‌گذارند. به‌همین دلیل، شانس آغاز آتش‌بس در لبنان بیش از غزه به نظر می‌رسد. شیخ نعیم قاسم، معاون رهبر فقید حزب‌الله در روزهای اخیر با انتشار پیامی تصویری، با نام بردن از نیبه بری، رئیس مجلس لبنان به عنوان «برادر بزرگتر، حزب‌الله، اعتماد کامل سازمان خود را به وی مورد تأکید قرار داده و از تلاش‌های رئیس پارلمان برای استقرار آتش‌بس در لبنان حمایت کرده است. پیش از این حزب‌الله هرگونه اعلام آتش‌بس با اسرائیل را به آتش‌بس در نوار غزه مشروط می‌کرد اما در سخنان آقای قاسم چنین شرطی شنیده نشد. در حقیقت، در بین عموم گروه‌های لبنانی توافق بر سر تفکیک آتش‌بس در لبنان از آتش‌بس در نوار غزه حالت اجماع به خود گرفته است. حتی سلیمان فرنجیه‌کلیدیدی حزب‌الله برای یاست جمهوری وولید جنبلاط رهبر دروزی‌ها به‌عنوان متحد حزب‌الله نیز بر این تفکیک تأکید کرده‌اند. با این حال، در غیاب وجود یک رئیس‌جمهور در رأس دولت، فرمول آتش‌بس به راحتی قابل پیگیری نیست؛ بخصوص اینکه اسرائیل به دلیل ضرباتی که به حزب‌الله وارد کرده است، شرایط سخت‌تری را برای توافق آتش‌بس مطرح می‌کند. انتخاب رئیس‌جمهور لبنان اما همچنان موضوعی به‌شدت اختلافی بین احزاب مختلف لبنانی است. شیخ نعیم قاسم نیز در پیام تصویری خود، اولویت اصلی را رسیدن به آتش‌بس اعلام کرد و برداشتن هر گام دیگری را مشروط به تحقق آن دانست. این به معنای ادامه مخالفت حزب‌الله با انتخاب رئیس‌جمهور در شرایط کنونی است. اگر گزارش رسانه اسرائیلی درباره مذاکرات کشورهای عرب و آمریکا با ایران برای آتش‌بس فرآگیر در کل منطقه درست باشد، طبعاً بحث‌هایی شبیه آنچه مطرح شد، باید در دستور کار مذاکرات آقای عراقچی و مقام‌های سعودی قرار داشته باشد؛ هرچند که در حال حاضر به جای امید آتش‌بس فرآگیر، بیشتر خطر جنگ فرآگیر منطقه‌ما را تهدید می‌کند.

